

## از پناهندگان حمایت نمائیم!

### به جنگ‌ها پایان دهید! امپریالیسم را سرنگون کنید!

چه کسانی جنگ را در افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، مالی و... آغاز کردند؟ چه کسانی بانی این

شرایط مصیبت‌بار برای توده‌های مردم در این کشورها هستند؟

و حال چه کسانی عوام‌فریبانه برای آنها اشک تماشایی می‌ریزند و منکر دست داشتن در این جنایات جنگی

می‌شوند؟ و ادعا می‌کنند که از فرار میلیون‌ها انسان غافلگیر شده‌اند؟

میلیونها آواره از جنگ و گرسنگی، در کشورهای همسایه مناطق جنگ زده، در پاکستان، ایران، ترکیه، اردن، لبنان، مصر، تونس و غیره در شرایط بغایت اسفناکی بسر می‌برند. تنها اندکی از آنها موفق می‌شوند به اروپا، بخصوص به یونان و دیگر کشورهای جنوب اروپا بیایند. بخش بزرگی از آنها در پشت مرزهای شنگن-حصارهای اتحادیه اروپا- متوقف می‌شوند.

در شرایط کنونی انبوه فراریان به حدی است که حتی مرزهای شنگن در دریای مدیترانه و بالکان هم در برابر آنهاست که از فجایع جنگی‌ای که امپریالیست‌های اتحادیه اروپا و ایالت متحده آمریکا پدید آورده‌اند، تاب مقاومت ندارند.

حال تعداد رو به افزایش فراریانی که در دریا غرق و به کام مرگ فرو می‌روند و یا کشته می‌شوند، بخش بزرگی از کارگران و زحمتکشان را که درون-حصارهای اتحادیه اروپا- زندگی می‌کنند، متأثر کرده و به تکان آورده است. تا حال، غرق شدن دهها هزار پناهنده با یک اظهار تاسف و همدردی زبانی روبرو می‌شود ("وحشتناک است ولی چه ربطی به من دارد؟ از من که کاری بر نمی‌آید...") ولی اکنون مردم اتریش در مقابل خود انسانهایی واقعی، خسته و درمانده‌ای را می‌بینند و نه آمارهای مجردی از گریخته‌گان از جنگ و کشته شدگان، بلکه انسانهایی مانند ما که بدبختانه در اتحادیه اروپا به دنیا نیامده‌اند.

آنها از کشورهای می‌آیند که توسط قدرت‌های بزرگ اروپا (در اشتراک با ایالات متحده آمریکا) به مناطق جنگی تبدیل شده‌اند. طبیعی است که جنگ‌ها از آسمان فرو نمی‌افتند و خود بخود پدید نمی‌آیند، بلکه آنها حاصل ادامه سیاست‌های امپریالیستی بصورت ابزار نظامی هستند. تقریباً تمامی جنگ‌های کنونی نتیجه رقابت و هژمونی‌طلبی قدرت‌های بزرگ امپریالیستی در خاور نزدیک، آسیای غربی و مرکزی و نیز شمال آفریقا است. این قدرت‌ها، ایالات متحده آمریکا، انگلستان، روسیه و فرانسه برای حفظ و گسترش حوزه‌های سنتی نومستعمراتی خود در مبارزه و زور آزمایی‌اند.

تا سالهای 1980 افغانستان یک نیمه مستعمره روسیه بود و سوریه و عراق متحدین نزدیک اتحاد شوروی بودند، بهمین دلیل ایالات متحده آمریکا (در اتحاد با انگلستان و دیگر امپریالیست‌های اروپایی) طالبان را بعنوان "آزادی‌خواهان مبارز" اسلامی در برابر اشغالگران روسی ایجاد و مسلح نمود. در سال 1978/1979 امپریالیسم فرانسه، همراه با متحدینش، انگلستان، آلمان و ایالات متحده آمریکا در کنفرانس گوادالوپ تعویض قدرت را به خمینی برای جانشینی شاه، سازماندهی نمودند.

در سال 1990 و بار دیگر 2003 ایالات متحده آمریکا همراه با تعداد زیادی از متحدین نظامی‌اش در اروپا جنگ علیه عراق را بخاطر دست‌یابی به منابع نفتی آغاز کرد.

در سال 2011 فرانسه و انگلستان با دیگر متحدینشان جنگ دیگری را علیه لیبی شروع کردند برای اینکه حوزه‌های نفتی آنجا را تحت کنترل خود در آورند. در همین سال چندین قدرت بزرگ اروپایی و ایالات متحده آمریکا جنگ بربرمنشانه و ضد انسانی را توسط مزدورانشان در سوریه بخاطر عقب راندن نفوذ روسیه و بدست گرفتن کنترل این کشور آغاز کردند.

در سال 2012، فرانسه با حمایت چندین کشور اروپایی، از جمله اتریش برای نجات رژیم دست‌نشانده خود از خطر نابودی، یک لشکرگشی تمام عیار را به مالی آغاز کرد (همانند مداخله نظامی در آفریقای مرکزی و ساحل عاج).

همچنین پاکبازی و جهش دارودسته خلافت اسلامی (ISIS) در سال گذشته خود بخود بصورت نگرش گرفت. در سال 2013 سناتور آمریکایی جان مک کین (John McCain) که در سندهای رسمی افشاء شده است با ابراهیم البغدادی و دیگر رهبران (ISIS) ملاقات می‌کند و قول همکاری و پشتیبانی به آنها در مبارزه علیه سوریه را می‌دهد.

هنوز اکثریت بزرگی از مردم اتریش و کشورهای ثروتمند (EU) نمی‌خواهند بپذیرند که دولت‌های آنها مسئول بلاواسطه فجایعی هستند که در بیرون از حصار اتحادیه اروپا صورت می‌گیرد. بهمین دلیل آنهاست که چنین دولت‌های را انتخاب می‌کنند، و اعتراضی به آنها ندارند در ایجاد این وضعیت غیر انسانی مقصودند.

ما در عصر امپریالیسم یعنی در مرحله بالای تکاملی سرمایه داری زندگی می‌کنیم. در کشورهای پیشرفته صنعتی، بانک‌ها و صنایع به کنسرن‌های بزرگ و انحصارهای بین المللی تبدیل، و با سرمایه مالی ادغام شده‌اند، و دستگاه‌های دولتی را کاملن کنترل می‌کنند. آنها جهان را بین خود تقسیم کرده‌اند، و هر یک طعمه‌های کشورهای نومستعمراتی "خویش" را استثمار می‌کنند و در این غارتگری کاملن متکی به دولت‌های خودی هستند. آنها از ارتش امپریالیستی "خودی" بمثابة ارتش خصوصی استفاده می‌کنند، و پاکمک رشوه و تطمیع و حتی اعمال تبهکارانه می‌کوشند سیاست‌مدارانی را به قدرت برسانند که منافع آنها را تامین کنند. بدین گونه بود که کنسرن‌های نفتی و صنایع نظامی رئیس جمهور بوش- پدر و پسر- را به قدرت رسانیدند، برای اینکه جنگ برای نفت در عراق را برای تامین موقعیت برتر خود در آسیای غربی آغاز نمایند.

کنسرن‌های امپریالیستی اتریش هم بعد از 1990 با قدرت تمام و یکپارچه در سیاست داخلی مداخله نظامی نموده و از دولت خواستند، تجزیه یوگسلاوی را عملی نماید. مداخله‌ای که منجر به روان شدن سیلی از پناهندگان در دهه 90 به اتریش و دیگر کشورهای اروپایی گردید. و بخاطر همین خوش‌خدمتی آقای آلیوس موک (Alios Mock) وزیر امور خارجه وقت اتریش از طرف کنسرن‌های اتریشی (همچنین آلمانی و دیگران) مورد تقدیر و تمجید قرار گرفت.

اگر ما دسایس امپریالیسم اتریش را در چند دهه اخیر مورد مطالعه قرار دهیم، بخوبی میتوان جنایات سیاسی و نظامی طبقه استثمارگر "خودی" را آشکار کرد، که مرکز ثقل آن همچنان در یوگسلاوی سابق قرار می‌گیرد، جانی که اتریش هنوز با وجود

بحران هیپو آدریا آلپ بانک (Hypo Alpe Adria) حجم سرمایه گذاری هایش بیشتر از آلمان و روسیه است، و بزرگترین استثمارگر کارگران و توده زحمتکش در کشورهای اروپای شرقی و بالکان می باشد. اگرچه طبقه حاکم "ما" می کوشد خود را گهگاهی فرصت طلبانه بیطرف نشان دهد ولی به تناسب قوایش بمثابه یک امپریالیسم کوچک در جنگ بیرحماته‌ای که در وسعت جهانی، جهت تقسیم مجدد نومستعمرات و کسب بازارهای جدید در جریان است، شرکت مستقیم داشته و برای سهم خود مبارزه می کند.

نزدیک به 50 سال است که مستعمرات مستقیم، یعنی کشوری که در آنجا یک کشور اروپایی ویا آمریکای شمالی و آسیایی، که دارای یک دستگاه اداری پر قدرت مستعمراتی باشد، و بر کشور مفروض و مردم آنجا از کشور "مادر" حکومت، و آنها را سرکوب و استثمار نماید وجود ندارد. بدنبال مبارزات رهائی بخش بعد از جنگ جهانی دوم، تقریباً تمامی کشورهای مستعمراتی قبلی در مقطع دهه 1960 ر سمن بصورت کشورهای مستقل درآمدند. البته این بدان معنی نبود که آنها از نظر سیاسی و اقتصادی واقفان مستقل شده باشند. این کشورها بعد از چندی توسط امپریالیسم مستعمراتی برهبری ایالات متحده آمریکا و بعداً سوسیال امپریالیسم شوروی به کشورهای نومستعمراتی تبدیل شدند. هر چند که در سالهای اخیر رژیم‌ها در کشورهای وابسته و نومستعمراتی توسط قدرت‌های امپریالیستی سرنگون و بنا به شرایط و ضرورت با رژیم‌های مطلوب و سربراه دیگری جایگزین می شوند، با وجود این دوران دولت‌های مستقیم استعماری به پایان رسیده است. امپریالیسم برای این کشورها و بورژوازی کاملن وابسته آن یک فضای محدود قایل می شود، و تازمانیکه آنها بتوانند شرایط لازم استثمار را برای اربابان خود تامین نمایند مورد حمایت قرار می گیرند، در غیر این صورت از طریق کودتا یا مداخله مستقیم نظامی برکنار می شوند.

آنچه که در دهه اخیر کاملن چشمگیر است، میدان دادن و حمایت از نیروها و احزاب مذهبی توسط امپریالیسم است. بعنوان مثال در هندوستان جریانات فاشیستی ضد مسلمان هندو به رهبری یک آدمکش حرفه‌ای و وزیر دولت فعلی (BJP)، مودی (Mudi) از جمله این نیروهاست.

از آغاز بحران در سال 2008 و ادامه آن تا کنون رقابت مابین امپریالیست‌های بزرگ بطور چشمگیری بالا گرفته است. صعود چین بمثابه یک قدرت امپریالیستی بزرگ و دوباره نیرو گرفتن روسیه فاکتورهای نوینی به میدان این رقابت‌ها وارد کرده‌اند. بهمین دلیل تعداد و شعاع عمل این جنگ‌ها گسترش یافته و خطر درگیری، بطور مثال بین چین و آمریکا ویا قدرت‌های ناتو با روسیه مرتب در حال افزایش است. تنها بریستراین تحولات و تشدید تضادهای حاصله از آن که مجموعه ای بهم پیوسته است، می توان دلایل روان شدن سیل پناهندگان را بطرف دژ مرگبار اتحادیه اروپا درک کرد و بعمل سیاسی مشخص دست زد.

وظیفه ماست از انسانهایی که موفق می شوند به اتریش راه یابند باتمام قدرت حمایت کرده و به آنها برای ادامه سفرشان، اگر خواهان رفتن به کشورهای دیگر اتحادیه اروپا هستند کمک نمائیم، ولی باید دانست این کمک‌ها هر چند هم بزرگ باشد مشکل سیاسی پناهندگی را حل نخواهد کرد و موجب تغییری در واقعیت دلایل اصلی فرار و آوارگی نخواهد بود. با توجه به دلایل عمده سیاسی که در بالا شرح آن رفت، در آینده هم ما باز شاهد گریز توده‌ای مردم از کشورهای نومستعمراتی خواهیم بود، چون برای آنها شرایط زندگی روز بروز بدتر می شود، حتی اگر هم امپریالیست‌ها به جنگ‌های دیگری هم دست نزنند و " فقط" به استثمار و غارت روزانه بسنده کنند.

کارگران و توده های مردم در کشورهای متروپول باید به این آگاهی دست یابند، که نظام جهانی سرمایه داری - امپریالیستی علت واقعی و مسبب اصلی فقر و فلاکت در تمامی کشورها از جمله (EU) و بخصوص فرار و آوارگی از کشورهای جنگ زده و تحت سلطه است. تا زمانیکه امپریالیسم وجود دارد هیچ راهی برای خلاصی از این معضل اجتماعی نخواهد بود، چون علت وجودی این پدیده شوم نه اتخاذ سیاست‌های غلط سیاستمداران ویا دولت‌های "ماست"؛ بلکه در رقابت درونی مناسبات سرمایه‌داری برای کسب سود بیشتر در مرحله امپریالیستی آن است. همین واقعیت، طبقات استثمارگر را مجبور می کند که استثمار و غارت را در برابر دیگر رقبا تشدید نمایند. وضعیت دردناک و اسفبار موجود در کشورهای نومستعمره زمانی بهبود خواهد یافت و جنگ‌های امپریالیستی جاری زمانی پایان می گیرد، که طبقه کارگر و توده‌های محروم قادر گردند، سلطه سرمایه را در یک انقلاب پرولتاریائی درهم بشکنند.

ما برای این امر مهم کار و مبارزه می کنیم.

IA\*RKP- Initiative für den Aufbau einer Revolutionär-Kommunistischen Partei  
Proletarische Revolution- revolutionäre-kommunistische Zeitung in Österreich

prorevol.wordpress.com

ia.rkp2017@yahoo.com - iarkp.wordpress.com

KOMAK-ML - Kommunistische Aktion-marxistisch-leninistisch

komakml@gmail.com

Alle: Stiftgasse 8,A-1070 Wien

ترجمه و تکثیر <یکی از فعالین چپ در وین - اتریش >

آدرس تماس: Amerlinghaus, 107 0 Wien, Stiftgasse, 8

email: linksaktivist@gmx.at